

المقدمة الثالثة: في القبلة

مقدمة سوم: قبله

والنظر في: القبلة، والمستقبل، وما يجب له، وأحكام الخل.

مباحث آن عبارت‌اند از: جهت قبله، مستقبل [کسی که لازم است رو به قبله بایستد]، چیزهایی که روبه قبله بودن در آن شرط [واجب] است و احکام قبله.

الأول: القبلة.

اول: [جهت] قبله

وهي: الكعبة لمن كان في المسجد، والمسجد لمن كان في الحرم، والحرم لمن خرج عنه. وجهة الكعبة هي القبلة لا البنية، ولو زالت البنية صلى إلى جهتها، كما يصلي من هو أعلى موقفاً منها. وإن صلى في جوفها استقبل على أي جدرانها شاء على كراهية في الفريضة. ولو صلى على سطحها أبرز بين يديه منها ما يصلي إليه، ولا يحتاج إلى أن ينصب بين يديه شيئاً. وكذا لو صلى إلى بابها وهو مفتوح. قبله برای کسی که در مسجد الحرام است، کعبه، برای کسی که در حرم است، مسجد الحرام، و برای کسی که خارج از حرم است، خود حرم می‌باشد.

مراد از قبله، جهت کعبه است نه خود ساختمان و اگر ساختمان از بین رفت باید در جهت کعبه نماز گزارد. به همین شکل، کسی که در ارتفاع بالاتری از کعبه قرار دارد، به سوی آن و در جهت آن نماز می‌گزارد. اگر کسی درون کعبه نماز بگزارد به سوی هر کدام از دیوارهای آن که بخواهد، می‌ایستد، گرچه خواندن نماز واجب درون ساختمان کعبه، مکروه است. اگر کسی بر بام کعبه نماز بگزارد، باید مقداری فضا که بتوان به سوی آن نماز خواند در پیش روی خود باقی بگذارد،⁽¹⁾ اما لازم نیست روبه روی خود چیزی قرار دهد و به سوی آن نماز بخواند.⁽²⁾ همچنین اگر (داخل کعبه) به سوی در کعبه درحالی که باز باشد نماز بخواند، باید همین طور عمل کند.⁽³⁾

1- یعنی نباید در قسمت‌های انتهایی ضلع‌های بام کعبه به نماز بایستد به طوری که چیزی از کعبه روبه رویش نباشد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص 25)

2- مانند آنچه بعضی از اهل سنت به آن معتقدند که در نماز خواندن بر بام کعبه چیزی را به عنوان قبله، مقابل خود قرار می‌دهند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص 25)

3- یعنی لازم نیست وسیله خاصی را روبه رویش قرار دهد، ولی مقداری با فاصله از درب بایستد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص 25)

ولو استطال صف المأمومين في المسجد حتى خرج بعضهم عن سمت الكعبة بطلت صلاة ذلك البعض. وأهل كل إقليم يتوجهون إلى سمت الركن الذي على جهتهم، فأهل العراق إلى العراقي وهو الذي فيه الحجر، وأهل الشام إلى الشامي والمغرب إلى المغربي، واليمن إلى اليماني. وقبله أهل العراق تقع بين الجنوب والغرب، فلو عرف الجدي عرف الشمال وعرف الجنوب، فإذا توجه إلى الجنوب فالقبة تقع بين يمينه ووجهه.

اگر صف نمازگزاران در مسجد الحرام طولانی شود و طوری قرار گیرد که تعدادی از آنان خارج از جهت کعبه نماز بخوانند، نماز کسانی که در جهت کعبه نیستند باطل است.

مردم هر سرزمین باید به سوی رکنی که رو به سرزمینشان است نماز بخوانند؛ اهل عراق به سوی رکن عراقی یعنی همان رکنی که حجرالأسود در آن است، مردم شام به سوی رکن شامی، و مردم مغرب به سوی رکن مغربی، و مردم یمن به سوی رکن یمانی.

قبله مردم عراق در جهت جنوب غربی واقع می‌شود. اگر کسی بتواند ستاره جُدی⁽⁴⁾ را تشخیص دهد، شمال و جنوب را تشخیص خواهد داد. اگر به سوی جنوب بایستد، قبله بین صورت و دست راست او قرار خواهد گرفت (همان جنوب غربی).

الثاني: في المستقبل.

دوم: کسی که روبه‌قبله ایستاده

ويجب الاستقبال في الصلاة مع العلم بجهة القبلة، فإن جهلها عول على الامارات المفيدة للظن. وإذا اجتهد فأخبره غيره بخلاف اجتهاده يعمل بما يظن أنه أصح. ولو لم يكن له طريق إلى الاجتهاد فأخبره كافر يعمل بخبره إن ظن بصحته. ويعول على قبلة البلد إذا لم يعلم أنها بنيت على الغلط. ومن ليس متمكناً من الاجتهاد كالأعمى يعول على غيره. ومن فقد العلم والظن فإن كان الوقت واسعاً صلى الصلاة الواحدة إلى أربع جهات لكل جهة مرة، وإن ضاق عن ذلك صلى من الجهات ما يحتمله الوقت، فإن ضاق إلا عن صلاة واحدة صلاها إلى أي جهة شاء.

اگر جهت قبله را میدانند، واجب است برای نماز، به سوی قبله بایستد؛ و اگر جهت قبله را نداند، باید به علائمی که او را به گمان میرساند، تکیه کند.

اگر سعی کند که جهت قبله را بیابد و فردی دیگر، خلاف جهتی که او یافته بود را به او خبر دهد، باید به هر کدام که گمان می‌کند صحیحتر است عمل کند. در صورتی که راهی برای یافتن جهت قبله نداشت و کافری به او جهت قبله را گفت، اگر گمان بر صحت خبرش داشته باشد به خبر او عمل کند؛ باید به جهت قبله‌های که برای شهر

4- جُدی یا آلفای خرس بزرگ، ستاره‌ایست که در صورت فلکی خرس کوچک قرار دارد. این ستاره در حال حاضر به‌عنوان ستاره قطبی برای پیدا کردن قطب شمال

در نیمکره شمالی زمین، مورد استفاده قرار می‌گیرد. (مترجم)

تعیین شده است اعتماد داشته باشد، مگر زمانی که بداند آن قبله اشتباه است. کسی که خودش امکان تشخیص قبله را ندارد -مانند نابینا- به تشخیص دیگران اعتماد کند.

کسی که در تعیین جهت قبله نتواند به علم یا گمان برسد، اگر وقت داشت، به هریک از چهار جهت، یکبار نماز بخواند و اگر وقت کمتر از این بود به آن تعداد از جهتها که زمان اجازه می دهد نماز بخواند، و اگر فقط به اندازه اقامه یک نماز وقت داشت (همان یک نماز را) به هر جهت که خواست بخواند.

والمسافر يجب عليه استقبال القبلة ، ويجوز له أن يصلي شيئاً من الفرائض على الراحلة عند الضرورة ويستقبل القبلة، فإن لم يتمكن استقبال القبلة بما أمكنه من صلاته، وينحرف إلى القبلة كلما انحرفت الدابة، فإن لم يتمكن استقبال بتكبير الإحرام، ولو لم يتمكن من ذلك أجزاء الصلاة وإن لم يكن مستقبلاً. وكذا المضطر إلى الصلاة ماشياً مع ضيق الوقت. ولو كان الراكب بحيث يتمكن من الركوع والسجود وفرائض الصلاة يجوز له أداء الفريضة على الراحلة اختياراً.

مسافر هنگام نماز باید به سمت قبله بایستد و در صورت ضرورت می تواند سوار بر مرکب⁽⁵⁾ -درحالی که روبه قبله است- برخی از نمازهای واجب را بخواند؛ و اگر نتوانست همه نماز را به سمت قبله بخواند، هرچقدر از نمازش را که می تواند روبه قبله بخواند و هرگاه مرکب از جهت قبله منحرف شد، تا حد امکان به سوی قبله بچرخد، و اگر باز هم نتوانست فقط تکبیر الاحرام را به سمت قبله بگوید (و بقیه نماز را بخواند)، و اگر این کار را نیز نتوانست انجام دهد به هر سو که نماز بخواند کفایت می کند، حتی اگر روبه قبله نباشد.

کسی که مجبور است به دلیل تنگی وقت در حال راه رفتن نماز بخواند، همین گونه عمل کند. کسی که بر مرکب سوار است، اگر بتواند رکوع و سجود و واجبات نماز را به جا آورد جایز است که با اختیار (بدون اینکه اضطراری باشد) اعمال نماز واجب را بر روی مرکب به جا آورد.

الثالث : ما يستقبل له.

سوم: چیزهایی که باید برای آن روبه قبله ایستاد:

ويجب الاستقبال في فرائض الصلاة مع الإمكان، وعند الذبح، وبالميت عند احتضاره ودفنه والصلاة عليه. وأما النوافل فالأفضل استقبال القبلة بها. ويجوز أن يصلي على الراحلة سافراً أو حضراً، وإلى غير القبلة على كراهية متأكدة في الحضر ما لم يستدبر القبلة وإلا بطلت. ويسقط فرض الاستقبال في كل موضع لا يتمكن منه كصلاة المطاردة، وعند ذبح الدابة الصائلة والمتردية بحيث لا يمكن صرفها إلى القبلة.

ایستادن به سوی قبله در نمازهای واجب - در صورت امکان - واجب است؛ همچنین هنگام ذبح [حیوان و پرنده] و هنگام احتضار و تدفین، و نماز بر میت، روبه قبله ایستادن واجب است؛ اما در نوافل، روبه قبله ایستادن بهتر است (واجب نیست).⁽⁶⁾ نماز [نافله] در حال سواره، در سفر و حَضَر⁽⁷⁾ مجاز است، اما اینکه به سوی قبله نباشد، در حضر کراهت شدید دارد، البته تا زمانی که پشت به قبله نشود و اگر پشت به قبله شد نمازش باطل می شود. هر جا امکانش نبود، وجوب استقبال (روبه قبله بودن) ساقط می شود، مانند نماز مطارده (ترس شدید مثل زمان جنگ و جدال)، و هنگام ذبح حیوان صائله⁽⁸⁾ و مُتَرَدِّیه⁽⁹⁾ که نمی توان آن را روبه قبله نمود.

الرابع : في أحكام الخلل.

چهارم: احکام مربوط به روبه قبله ایستادن

6- البته پشت به قبله نبودن در نافله واجب است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص 28)

7- وطن یا جایی که قصد ده روز ماندن دارد یا... (مترجم)

8- مانند حیوانی که دچار جنون یا مرضی شده که رو به قبله کردنش دشوار است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص 29)

9- مانند حیوانی که در چاه افتاده است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص 29)

وهي مسائل:

سه مسئله:

الأولى: الأعمى يرجع إلى غيره لقصوره عن الاجتهاد، فإن عول على رأيه مع وجود المبصر لإمارة وجدها صح، وإلا فعليه الإعادة.

اول: فرد نابینا چون خودش نمی تواند جهت یابی کند باید به راهنمایی دیگران رجوع کند؛ و اگر با داشتن علامتی که خودش به دست آورده است بر نظر خود اتکا کند و به یک سمت نماز بخواند (حتی اگر فرد بینا هم وجود داشته باشد)، نماز او صحیح است؛ و در غیر این صورت (اگر علامتی نداشته و جهت را اشتباه تشخیص داده باشد) باید نماز را دوباره بخواند.

الثانية: إذا صلى إلى جهة إما لغلبة الظن أو لضيق الوقت ثم تبين خطأه، فإن كان منحرفاً بين اليمين والشمال ولم يستدبر القبلة فصلاته صحيحة ولا يعيدها في الوقت أو خارجه، وإذا استدبر القبلة أعاد في الوقت ولا يعيدها في خارجه، فأما إذا تبين الخلل وهو في الصلاة فإنه يستقيم على كل حال ولا إعادة.

دوم: اگر نمازگزار، نماز را به حکم گمان خود و یا به دلیل تنگی وقت به سمتی بخواند که بعداً معلوم شود به سوی قبله نبوده است، اگر انحراف او از قبله در حد چپ و راست بوده و پشت به قبله نباشد، نماز او صحیح است و نیازی به تکرار آن ندارد (چه وقت نماز تمام شده یا هنوز وقت باقی باشد)؛ اما اگر پشت به قبله بود و وقت نماز تمام نشده باشد باید نماز را تکرار کند، ولی اگر پشت به قبله بود و وقت نماز گذشته بود نیاز به تکرار نیست، اما اگر در حین نماز بفهمد که خطانموده، در هر صورت و به هر جهتی که ایستاده است، باید به سمت قبله برگردد و نیاز به تکرار نماز نیست.

الثالثة: إذا اجتهد لصلاة ثم دخل وقت أخرى، فإن تجدد عنده شك استأنف الاجتهاد، وإلا بنى على الأول.

سوم: اگر برای یک نماز، جهت قبله را با تلاش بیابد و نماز بخواند، سپس در وقت نماز دیگری وارد شود، و نمازگزار به صحت جهت قبله شک کند، باید از نو جست و جو کند تا یقین یابد، در غیر این صورت بر همان جهت (که نماز قبلی را خوانده) نماز بخواند.

